



میهن‌دوست قهرمانی

« ساقی بجام عدل بده باده تا ۱۳۲۲
غیرت بیاورد که جهان پر بلا کند » (حافظ)

جنگ مظهر شراره خشم و غضب بشری و نمودار نهاد بر بریت و درندگی است، جنگ غلیان دریای خشم و نیران آتش جنون آدمی است، جنگ معرف روح عصیان و طغیان و مسبب خرابی و تباهی است، همان گونه که ما بر روان آتیلاها و نیروها و جنگیزها نفرین میفرستیم و آنان را خون آشام و درنده می‌شماریم و موجب تنگ عالم بشریت می‌دانیم، آیندگان که بمدارج عالی تری از تمدن کنونی ما ارتقا یابند مسبب جنگهای خونین عصر ما را نیز با همان عبارات تند و صریح تعبیر و تفسیر خواهند کرد و این عصر اتم و الکتریسته که ما بدان مینازیم عصر جنون و توحش خواهند نامید و با قیادت برتری حق هم با آنهاست: چه جنونی بالاتر از ما اینکه در یک چشم بهمزدن شهری عظیم و زیبا را بجهنمی از آتش مبدل سازند، شهری که نتیجه دسترنج هزاران هزار نفوس در طی صدها بلکه هزاران سال بوده در یک لحظه بغا کستر سیاه تبدیل کنند و صدها هزار زن و مرد و پیر و جوان و خرد و کلان از ساکنین بیگناه آنرا بفقیرترین طرز قتل عام کنند، در اوج آسمانها و در دل ابرها باهم بجنگند و بر فراز کوهها و درته درهها و بر پهنه زمینها باهم بجنگند و برسینه آنها و در قعر دریاها باهم بجنگند و در هر جا که همدیگر را ببینند بدتر از درندگان بجان هم بیفتند و همدیگر را سوراخ سوراخ و قطعه قطعه سازند و محو و نابود کنند و از کرده خود مباحات کنند و در ازای این توحش و درندگی و جنون آدمکشی گردن برافرازند و مدال افتخار و سرافرازی برسینه سوار کنند و نام خود را ژنرال

و مارشال و قهرمان جنگ بنامند .
گویند در جنگ بین الملل اخیر بالغ بر بیست میلیون نفوس ذکیه مقتول
و مجروح و مفقود شدند .

اساساً این جنگهای خونین و خانمانبر انداز بر سر چیست ؟
بدبختانه این جنگهای مدهش نتیجه دو عامل است و بس : عامل طمع
و عامل ترس : طمع ببال و هستی یکدیگر و ترس از قدرت یکدیگر :
اینان میخواهند سرزمین ابا و اجدادی آنان را بر بایند، و آنان میترسند که
اینان نیرومند شوند و دمار از روزگارشان بدر آرند .

آیا نمیشود چشم طمع نداشت و بیم و سوءظن نداشت و با صلح و
صفا و محبت و صمیمیت در جوار یکدیگر بسربرد و از همسایگی یکدیگر
متمتع و متلذذ گشت و زندگانی گذران را با برادری و برابری پایان
رسانید و با روی سفید و دل پاک و چهره تابناک بر سرزمین عقبا شتافت و
بیشگاه پروردگار بزرگ و یگانه روی آورد ؟

البته میشود و خیلی هم سهل و آسان و با اتدك تعقل و سماحت و بردباری
و از خود گذشتگی مقنور و میسراست .

بدیهی است مردمانی که بزور عقل آراسته اند و قدر نعمت آرامش
و آسایش و خدمت بخلق را میدانند از جنگ و جدال شدت بیزار و در
عذاب اند . اشکال در این است که این گونه مردان با کنه ادونیک بنیاد در اقلیت
قرار دارند و معمولاً زر و زور بدست کسانی میافتد که پوی آدمیت بشام
جانشان نرسیده و طبیعتی دژنده و جنگالی برانده و بازوئی سطر و دلی
سیاه و دیدگانی شرور بار دارند و بر احدی رحم و مروت روا نمیدارند و همه
چیز را بانهایت بی باکی و بی شرمی فدای مطامع پلید خود میگردانند .
بسیاری از افراد نسل معاصر شاهد و ناظر دو جنگ جهانگیر بین المللی
گذشته بوده و فجایع و مظالم آنها را با دیده تحسرت و تاسف و تالم نگرسته و
شدت از آنها متنفر و منزجر و بیزار بوده اند .

گروهی از مردان خیر اندیش پس از خاموش شدن آتش جنگ
بین المللی اول در صدد بر آمدند موجباتی فراهم سازند که از بروز جنگ
احتمالی بعدی جلوگیری بعمل آورند . بدین منظور بود که جامعه بین المللی
و دیوان داوری بین المللی پدیدار گشت ، ولی بدبختانه تدبیر یاری نفرمود
و این سازمانهای نو بنیاد نتوانست مانع بروز جنگ بین المللی دوم گردد ،
ناچار آتش جنگ دوم زبانه کشید و خرابیهای بسیار و تباهیهای بیشماری

بیار آورد، که حقیقه بر شمردن آنها موجب ننگ عالم بشریت است.

اینک باز گروهی از عقلای اقوام بمنظور جلوگیری از تکرار این مصیبت بزرگ و این بلیه عام که اگر خدای نخواسته پدیدار گردد فجایعی بس سهمگین تر و عواقبی بس وخیم تر بوجود میآورد تا جایی که عالم بشریت و جهان تمدن را بنیستی تهدید میکند درصدد برآمده اند طرحی نوین بریزند و بنیادی محکمتر بر پا سازند تا شاید بدین وسیله ابناء بشر را از شر آن بلیه عظمی رهایی دهند: پس «سازمان ملل متحد» را پی ریخته اند. کارگردانان این کاخ صلح که بمنظور خدمت بعالم بشریت بدل مجاهدت میفرمائید باین حقیقت ساده ولی پرمعنا پی برده اند که بروز اختلافات بین المللی بیشتر ناشی از عدم رضاتهاست که از اختلافات طبقاتی پدیدار میگردد: چرا باید «بنی آدم» که «اعضای یکدیگرند» و «درآفرینش زیك گوهرند» جمعی از آنان بطوری مست باده عیش و عشرت باشند که سراز پا نشناسند و گروهی دیگر يك لقمه نان شان آلوده بخون باشد؛ گروهی از ابناء نوع بشو در کاخهای مجلل و سر برافراشته بر آسمانها در میان ناز و نعمت و باده و ساده و ساز و آواز بای کوبان و کف زنان و عربده کنان سرگرم نوشانوش باشند گروهی دیگر از برادران نوعی آنان بالباسی ژنده و رنگی پریده و شکمی تهی و دلی آکنده از خشم و غضب در بیانها و خیابانها سر بر خشت خام تپند و آه از نهاد بندارند و بر عالم بشریت لعنت فرستند و در کمین انتقام باشند!

دانشمندان علوم اجتماع باین حقیقت سهل و ساده پی برده اند که تا این اختلافات طبقاتی در میان اقوام و اجتماعات بشری برقرار است پیوسته بیم قیام و انقلاب و برادر کشی در کار است، پس برای تحکیم بنیاد صلح و صفا باید نخست ریشه فساد را از بیخ و بن برافکنند و آن مبارزه با فقر و فاقه همگانی و اختلافات طبقاتی است.

این دانشمندی که بدین منظور مقدس در کاخ رفیع سازمان ملل متحد در نیویورک بکنکاش نشسته اند در پی تأمین «سعادت برای همه» هستند: آنها بر علیه گرسنگی و برهنگی و بیماری و بیکاری و نادانی و بیسوادی اعلان جنگ جهاد داده اند و بالتیجه سیاست تعمیری پرداخته اند. شرح این سیاست تعمیری را در شماره آینده ملاحظه بفرمائید و بسوی آنان دست همکاری و نوع دوستی و خیرخواهی و صلح طلبی دراز کنید.